



اللغة
الفارسية

گناه و آثار شوم آن

در زندگی امت از قرآن و سنت

ترجمة کتاب (شئم المعصية)

تألیف

أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن السدحان

ترجمة

إسحاق بن عبد الله العوضي

رحمه الله

چاپ پاول ۱۴۲۹ / ۱۳۸۷ هـ



گناه و آثار شوم آن

در زندگی امت از قرآن و سنت

ترجمة کتاب (شوم المعصية)

تألیف:

أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن السدحان

ترجمه:

اسحاق بن عبد الله العوضي

رحمه الله

چاپ اول / ۱۴۲۹ هـ



شناسنامه کتاب

نام کتاب : گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت.

مترجم : إسحاق بن عبد الله العوسي.

نویسنده : عبدالله بن محمد السدحان.

ناشر : مکتب توعیة الحالیات بشرق جده.

تیراز : ۵,۰۰۰.

سال چاپ : ۱۳۸۷ هـ. ش برابر با ذی حجه ۱۴۲۹ هـ. ق.

نوبت چاپ : اول.

آدرس ایمیل: En_Haghighat@yahoo.com

www.aqeedeh.com سایتهاي مفید اسلامی:

www.ahlesonnat.net

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحه
۱	تقدیم شیخ عبدالله عبدالرحمن بن جبرین درباره این رساله	۶
۲	مقدمه	۸
۳	پیشگفتار	۱۳
۴	زیشه گناه	۱۳
۵	آثار گناه آدم و حوا بر فرزندانشان چیست؟	۱۴
۶	اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت	۱۶
۷	فصل اول: اسباب گناه	۱۷
۸	فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان	۱۹
۹	یوسف علیہ السلام	۱۹
۱۰	یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند	۲۰
۱۱	شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش	۲۴
۱۲	راز عذاب همیشگی کافران در جهنم	۲۷
۱۳	فصل سوم: آثار گناه در امت محمد ﷺ	۳۰
۱۴	مردی که به پیامبر ﷺ گفت با عدالت رفتار نکردنی	۳۰
۱۵	پنهان شدن لیله القدر	۳۱

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

ص	عنوان	م
۳۲	شتر نفرین شده	۱۶
۳۲	دعای پیامبر ﷺ علیه طائفه مضر	۱۷
۳۳	محروم بودن از باران	۱۸
۳۳	مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد	۱۹
۳۷	فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد	۲۰
۳۷	نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی	۲۱
۳۹	زنای کردن و مقدمات آن	۲۲
۴۴	بلاء موکل به سخن است	۲۳
۴۶	لغت و آثار شوم آن	۲۴
۴۸	وسواس بودن	۲۵
۵۰	فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان	۲۶
۵۲	آثار ترک گناهان در دنیا	۲۷
۵۴	آثار ترک گناهان به هنگام مرگ	۲۸
۵۴	آثار ترک گناهان در روز قیامت	۲۹
۵۵	فصل ششم: توبه و شرایط آن	۳۰
۶۳	فصل هفتم: پاک‌کننده‌های گناه	۳۱
۶۵	چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید	۳۲

ص	عنوان	م
٦٩	فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه – گرچه پس از مدتی هم باشد – واقع می‌شود	٣٣
٧٠	اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است	٣٤
٧٣	فصل نهم: راه رهائی از گناهان شوم	٣٥
٧٧	فصل دهم: «گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ از آن نهی فرموده است	٣٦
٩٠	خاتمه	٣٧
٩٦	منابع و مأخذ	٣٨



برای ارتباط با ما می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:
السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٤٧). ص. پ: (١٥٠١٠٣)
www.aqeedeh.com
yad131@yahoo.com
aqeedeh@hotmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبده رحمون بن جبرین

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآلـه وصحبه وسلم رساله تأليف برادر محترم دکتر عبدالله بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزندهای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ کرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزنند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تأليف این رساله نموده‌اند.

بی تردید گناه و عصيان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرك و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند درباره برخی از مجازات شدگان در دنیا می‌گوید: ﴿وَلَوْلَا أَنْ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَفْتَأِ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ﴾ (الحشر: ٣).

«و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آنها در آخرت نیز عذاب آتش است.»

و همراه با آن چه می‌خوانیم و می‌شنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هایی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخار کردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورده و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوه‌گین شود، و پروردگار توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

وَصَلَى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدَ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجَبَرِيْنَ
عَضُوِ افتَقَاءِ



مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه کننده‌ای ندارد، و هر که را گمراه کند هدایت کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ﷺ رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری که خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد. چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.

و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسِبَ كَ أَلَّا يَعْلَمُ الظَّالِمُونَ﴾ (ابراهیم: ٤٢). «گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است».

میمون بن هارون ره در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستمدیده و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم بن ادhem ره می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید: ﴿أَنْجُلُ الْشَّفِيعِينَ كَالثَّمِيرِينَ مَا لَكُوكَفْ تَحْكُمُونَ﴾ (القلم: ٣٦-٣٥).

«آیا مؤمنانی را (که در برابر حق و عدالت تسليمند) همچون مشرکان و مجرمان قرار دهیم. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أَجْرَحُوا السَّيِّعَاتِ أَنْ يَعْلَمُهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً تَحْيَاهُمْ وَمَمْاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (الجاثیه: ٢١). «آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان (در دنیا و آخرت) یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند».

﴿أَمْ يَعْلَمُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُقْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَعْمَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَارِ﴾ (ص: ٢٨). «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن

تیمیه ﷺ می‌گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می‌کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا نُطِعَ مَنْ أَعْقَلْنَا قَلْبَهُ، عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَانَهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ (الكهف: ۲۸). «و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت ممکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».»

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب‌رسان است قطعاً از آن دوری می‌کند، به همین خاطر صحابه ؓ می‌گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می‌کند نادان و جاھل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی‌اش معذور نیست، پس گناهکار باید در عواقب گناه و بدبختی حاصل از آن در دنیا و آخرت - پناه به خدا - بیاندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می‌کند، نافرمانی چه کسی می‌کند؟ نافرمانی مالک هستی می‌کند!

بلال بن سعد ﷺ می‌گوید: (به ناجیزی گناه نگاه ممکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی‌اش می‌کنید نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل‌انگاری نموده، و می‌پندارند که توبه محض گناهان را پاک می‌کند.

ابن قیم حَفَظَهُ اللَّهُ می‌گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنه باشد).

به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بیمناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَأَمْرَنَ وَعَمِلَ عَكْلًا صَنِيلًا حَا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّعَاتِهِمْ حَسَنَاتِهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا تَحِيمًا﴾ (الفرقان: ۷۰). «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهنند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَنِيلًا فَإِنَّهُ يُؤْتُ إِلَيْهِ مَتَابًا﴾ (الفرقان: ۷۱).

«و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن — که در ضمن این رساله می‌آید — را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر

خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت‌ها نبودند نمی‌توانستی گناه انجام بدھی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است.

از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد.

خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلی اللہ علی محمد وعلی آلہ وصحبہ وسلم



پیشگفتار

ریشه‌ی گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»^(۱). اولین گناه در آسمان حسادت ابليس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نبرد.

پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آنها دستور داد از ثمر درخت نخورند به تشویق ابليس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردنده، سپس توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابليس دستور داده بود برای آدم سجله ببرد و چون امثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت»^(۲)، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیار است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و

(۱)- کتاب ادب دنیا و دین، ۲۶۰۱، تألیف ماوردي.

(۲)- ابليس در واقع اصلاً توبه نکرد. و گرنه خداوند تواب و رحیم است، چون می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ لَّتَنْذِلُنَّ كَيْبَ وَيَأْنَ وَجَلَ مَلِئَمَ أَهْتَدَ﴾ (طه: ۸۲). «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمزم!».

کسی که به اندازه ذرهای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نیز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»^(۱).

پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی‌تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

آثار گناه آدم و حوا بر فرزندانشان چیست؟

ابوهریره رض از پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی به شوهرش خیانت نمی‌کرد)^(۲). منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریره رض از پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندانش تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذرهای نور قرار داد، سپس آنها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگار!! آنها کی هستند؟ گفت: فرزندات هستند، آدم

(۱)- کتاب الفوائد، «۲۵۰»، تأليف ابن قيم.

(۲)- مختصر صحيح مسلم، «حدیث ۸۶۴، ص: ۲۱۹»، تأليف منذری.

مردی را دید نور پیشانیش او را شکفت زده کرد، گفت: پروردگار!! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندان است و نامش داود است، گفت: پروردگارا چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگار!! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملک الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر ﷺ گفت: آدم انکار کرد پس فرزندانش انکار می‌کنند! و آدم خطأ کرد، فرزندانش نیز خطأ می‌کنند!^(۱).

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندانش سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطأ کردند، و این خطأ بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد.

(۱)- صحیح ترمذی، «۳/۵۳»، ناصرالدین البانی.

اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت^(۱).

اولین گناه در زمین حسادت قابیل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، أعمش از عبدالله بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعود رض روایت می‌کند که پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخی از گناه آن بر گردن قابیل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت^(۲).

هر کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان‌گیر قابیل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.



(۱)- کتاب ادب دین و دنیا، «۲۶۰»، تألیف ماوردي.

(۲)- کتاب صحیح بخاری، «۱۲/۱۹۸»، شماره حدیث «۶۸۶۷».

فصل اول

اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن

قیم آورده است به سه چیز برمی‌گردد:

۱- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرك

می‌شود.

۲- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می‌شود.

۳- پیروی از نیروی شهواني، و آن منجر به فاحشه‌گری می‌شود.

و عاقبت وابستگی به غیرخدا: شرك، و باور به خدای ديگر

است.

و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است.

و عاقبت پیروی از نیروی شهواني: زنا کردن است.

بدین سبب خداوند هر سه را در یک آیه چنین آورده است:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَعْبُرُكُم مَعَ اللَّهِ إِنَّهَا أَخْرَ وَلَا يَقْتُلُونَ الْفَقَسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا﴾

﴿إِلَّا حِقٌّ وَلَا يَرْثُونَ وَمَن يَعْمَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَاماً﴾ (الفرقان: ۶۸).

«و کسانی که معبد ديگري را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی

را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشنند؛ و زنا

نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن ديگري می‌شود، شرك

آدم را به ظلم و فاحشة‌گری و امی دارد، چنانچه توحید و اخلاص
آدم را از آن دور می‌دارد^(۱).

به خدا سوگند این عاقبت تلخ ماست، تا جایی که سران کفر
بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته‌اند، و هر
فاجعه‌ای در گوشه گوشه جهان رخ می‌دهد مسلمانان نصیب
بزرگی در آن دارند، «ولاحول ولا قوة إلا بالله العظيم» و این - پناه
به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می‌باشد.



(۱)- کتاب الفوائد، تأليف ابن قيم جوزي، (ص: ۱۳۸-۱۳۹).

فصل دوم

آثار گناه در گذشتگان

یوسف ﷺ:

حسن از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﴿أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) یادآوری کن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم^(۱).

(۱)- کتاب الزهد، «ص ۱۰۳»، تألیف امام احمد، امام ابن تیمیه در تفسیر این آیه «اذکرنی عند ربک» می‌گوید: معنای سخن یوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون یوسف گفته است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، و گفته یوسف: ﴿أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. (یوسف: ۴۲). «مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) یادآوری کن!». مانند قولش: ﴿أَنْجَلَى عَلَى حَرَائِبِ الْكُرْنَى إِنَّ حَبِيبَهُ عَلَيْهِ﴾. (یوسف: ۵۵). «مرا سرپرست خزانی سرزمین (مصر) قوار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامی که تقاضای ریاست می‌کند بخاطر مصلحت دینی، این خواست ریاستی نیست که از آن نمی‌شده، و آن گفته مناف توکل نیست، و منظور یوسف از این گفته: ﴿أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و یوسف از اولین توکل کنندگان بوده است«، فتاوی ابن تیمیه، ۱۵/۱۱۳-۱۱۴.

یازده براذر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند: و قصه آنها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن قصه آمده است: ﴿أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ﴾. (یوسف: ۸). «یوسف در نزد پدرمان از ما محبوبتر است». و این حسادت آنها بود، و این حسادت به فرزندان آنها سراایت کرد، و سخن آنها: ﴿إِنِّي سَرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخْ لَهُ مِنْ قَبْلِ﴾. (یوسف: ۷۷).

«اگر او (بنيامين) دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد». و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آنها سراایت کرد، و سخن آنها: ﴿أَقْتُلُوا يُوسُفَ﴾. (یوسف: ۹).

آنها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم به هر چیزی - گرچه کشتن یوسف هم باشد - متول شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندانشان باقی ماند^(۱). و سخن آنها: ﴿وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَرْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ﴾. (یوسف: ۶۵).

(۱)- به جنایاتی که یهودیان امروزه در جهان انجام می‌دهند بنگرید، هر جنایتی در جهان رخدید یهودیان به خاطر رسیدن به اهداف شوم خوش در آن دست دارد.

«و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت‌اندوزی آنها بود و به نسل آنها بنی‌اسرائیل انتقال یافت، و آنها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آنها ظلم و ستم کرد و آنها را ذلیل و خوار نمود، و فرزندان آنها را کشت، و زنانشان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی ﷺ را به پیامبری برگزید تا بنی‌اسرائیل را از آن حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آنها - به وقوع می‌پیوندد: ﴿يَتَّقِيَ إِسْرَئِيلُ أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِيْ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلَّتُكُمْ عَلَى الْأَعْمَالِ﴾ (البقرة: ۴۷). «ای بنی‌اسرائیل! نعمتها بی‌را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از بنی‌اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آنها بخشید، و دشمن سرسخت آنها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت‌اندوزی آنها بود.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی علی‌الله‌آمید به دیدار پروردگار رفت آنها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرسش قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آنها تا روز قیامت مورد خشم پروردگار — به جز مؤمنان — می‌باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعَجَلَ بِكُثُرٍ هُمْ﴾ (ابقره: ۹۳).

و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد». و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلاندوزی در دلشان پایرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه‌داران و احتکارکنندگان بزرگ یهودی هستند. و از صفات ناپسند آنها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده است.

از جمله آن: هنگامی که به آنها دستور داده شد با سجده بردن وارد «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آنها آمرزیده شود و توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِي ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَوَلَا عَيْرَ أَلَّذِي قِيلَ لَهُمْ﴾ (الأعراف: ۱۶۲).

اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند. با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذَبَّحُوا بَقَرَةً﴾.

(البقره: ۶۷)

«خداؤند به شما دستور می‌دهد ماده‌گاوی را ذبح کنید».

بخاطر شومی مخالفت و لجوخت آنها خداوند در طلب بر آنها سخت گرفت، و این صفت لجوخت به نوادگان آنها سرایت کرد.

و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آنها به میمون و خوک مسخ شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خواراک اهل بهشت، نعمتی که هر کس از آن می‌خورد سیر نمی‌شد، چون غذای روان و خستگی‌ناپذیر بود، و مزه و طعم آن نسبی نبود، اما آن گاه بنی اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوخت نزد موسی رفته‌اند و از او خواستند به جای «من و سلوی»^(۱) نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نمایند.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آنها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آنها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آنها و نوادگان گمراه آنها باقی ماند.

(۱)- چون غذایی بہشتی بود.

و از جمله آن: خداوند به آنها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا در آن هنگام هر چند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود^(۱).

ابوهریره رض از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید»^(۲).

شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِيَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾^(۳).
 (غافر: ۴۵). «و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد!».

آنها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان — پناه به خدا — نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی

(۱)- احتیاج به یخچال و سردخانه برای نگهداری غذا نداشتم، و آن زمان تاریخ نمودیکروب در فضای محسوب می‌شود.

(۲)- ختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۸۶۴»، تألیف منذری با تحقیق البانی، «ص: ۲۱۹».

آن را بدست بیاورد شومی و نحسی لعنت او را فرامی‌گیرد^(۱) و از آن هنگام گنجینه فرعون به «العنت فرعونیان» معروف شد، و اما در آخرت: خداوند می‌فرماید: ﴿أَنَّا رَبُّ يُعَزَّزُونَ عَلَيْهَا عُذُّوا وَعَشَّيَا وَيَوْمَ تَقْشُّعُ السَّاعَةُ أَذْخُلُوا إِلَّا فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾. (غافر: ۶). «عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): آل فرعون را در سخت‌ترین عذابها وارد کنید!».

(۱)- یعنی لعنت پروردگار، چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَاتَّبَعْتُمُ فِي الدُّنْيَا لَكُمْ كُلُّهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (القصص: ۴۲). و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت. پس آنطور نیست که باستان‌شناسان می‌گویند: فرعون اموال و گنجینه‌اش را طلس‌کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار می‌گیرد، بلکه آنچه از نوشته‌های هیروغلیف و پس وی بدست آمده است علت عدم دسترسی به گنجینه‌ها لعنت خدادست. این مصدق حديث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: «لَا تَدْخُلُوا عَلَى هُؤُلَاءِ الْمَعْنِينِ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بِأَكْيَنِ، فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بِأَكْيَنِ فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ أَنْ يَصِيكُمْ مُثْلُ مَا أَصَابَهُمْ». رواه أحمد. بر اینان که مورد عذاب شده‌اند وارد نشوید مگر اینکه گریه‌کنان باشد، و اگر چنین نباشد بر آنها وارد نشوید که ممکن است شما هم مورد عذاب واقع شوید. و فرمان رسول الله ﷺ در باره با سرعت رفتن در وادی محرر که در بین مزدلفه و صحرای منی واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فیل را هلاک کرد.

قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط ﷺ

اقوامیکه بوسیله - صیحه آسمانی یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی - نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آنها کسی سکونت نمی‌گزیند، و از چشمه‌های آنجا آب نمی‌نوشند، و علوم و فنون سنگ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن‌های زیرزمینی آنها مفقود گردید^(۱).

(۱)- و این کار امروزه از جهت علمی به (امواج ذاتی) یا نیروی کشنی معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانی از طریق نیروی جاذبه زمین و اشکال هندسی - که تا بحال علمی مجهول است، پی برده می‌شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در دایره تئگی یافت نمی‌شود. و آن هم جز بخاطر شومی گناه و معصیت نیست. و به همین خاطر معجزه هر پیامبری با آن چه که قومش در آن توانای داشته‌اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسی ﷺ در نیرو و عصای کشنی و سحر چیره دست بوده‌اند. ﴿فَلَمَّا جَاءَكُمْ رَّعِيْتُمْ بَهُ﴾ (الشعراء: ۴۴). «آنها طنابها و عصاهای خود را افکنندن». پس عصای موسی با معجزه به اژدهایی حقیقی تبدیل شد. و معجزه چشمه‌های روان خشک شدن دریا. و همچنین قوم عیسیٰ ﷺ در علم طبابت چیره دست بودند به همین خاطر معجزه عیسیٰ ﷺ زنده کردن مردگان - با اذن خدا - و شفای کوران و بیماران بوده است. و قوم صالح ﷺ در تراشیدن کوه‌ها چیره دست بودند و بر آن مجسمه‌ها می‌تراشیدند پس معجزه صالح بیرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پیامبر محمد ﷺ در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت ﷺ قرآن است که تاروز قیامت با بلاغت عظیم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلیلی بر ماندگار بودن علم و قرآن تاروز آخرت است.

و آثار و بقایای آنها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آنهاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آنها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری – که از گذشتگان – به این ظلم اعتراف کرد آدم علیل‌الله بود و گفت: ﴿رَبَّنَا طَلَّعْنَا أَفْسَنَا وَإِنَّ لَّهُ تَعَفَّفَ لَنَا وَرَحْمَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِيرِينَ﴾ (الأعراف: ۲۳).

«پروردگارا! ما به خویشن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!».

و درباره آنها می‌گوید: ﴿فَتَلَكَ يُؤْتُهُمْ حَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِيَّةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (النمل: ۵۲). «این خانه‌های ویران شده آنهاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

واز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداآوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقْعَوا عَلَى الْأَنَارِ فَقَالُوا يَلِينَا نُرَدُّ وَلَا تَكْذِبْنَا إِنَّا وَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل‌آل‌الله‌آل‌الله: ۲۶) **بل بَدَأَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفِونَ مِنْ قَبْلِ وَلَوْ رُدُّوا إِلَى الْمَادِ وَلَمَّا هُمْ وَأَعْنَهُ وَإِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ﴾ (آل‌آل‌الله‌آل‌الله: ۲۷) (الأنعام: ۲۷-۲۸).**

«کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده

می‌شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌بودیم! (آنها در واقع پشیمان نیستند)، بلکه اعمال و نیاتی را که قبل از پنهان می‌کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند؛ آنها دروغگویانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می‌شوند، و مواجه سخت‌ترین عذاب می‌باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می‌شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آنها را نمی‌پذیرد: ﴿وَلَوْرُدُوا لَعَادٌ وَالْأَنْصَارُ هُمُّ الْمُهَاجِرُونَ﴾
 «و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند».

و آنگاه که بدانید «ران: زنگاری» دل‌هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت‌تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت‌زده نمی‌شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده‌اند و با صورت به جهنم افکنده می‌شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُوْدُهَا أَنَّا سُّ وَالْمُجَاهَةُ﴾^{۲۴}. (البقره: ۲۴).
 «هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها (بتها) است».

خداؤند به آنها ظلم نکرد بلکه آنها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند.
 امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمودند: فتنه‌ها – مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد – بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش یابد نکته سیاهی در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جایکه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثیر نخواهد کرد تا آسمان و زمین پا بر جاست، و قلب‌های دیگری مانند «مرید: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند^(۱).

(۱)- صحیح جامع، تألیف البانی، «شماره حدیث ۲۹۶۰».

فصل سوم

آثار گناه در امت محمد ﷺ:

مردی که به پیامبر ﷺ گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعید ؓ روایت می‌کند علی ؓ فرمودند: پس از اینکه پیامبر ﷺ مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ﷺ آوردم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آن را در بین اقرع بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علائه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی بر جسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ﷺ فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آنها بود» حاضرین به او هجوم بردنند تا به قتلش برسانند، پیامبر ﷺ فرمودند: «رهاش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی بدنبال می‌آید مسلمانان را می‌کشند و بتپرستان را رها می‌کنند، اگر آنها را بیاهم مانند کشتار قوم عاد آنها را می‌کشم»^(۱).

(۱) - کتاب السنّة، تأليف أبو عاصم بالتحقيق البانى، (ص: ٤٢٧، ٤٢٦).

خوارج^(۱) از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند^(۲).

پنهان شدن لیلهالقدر:

در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می‌کردند و شیطان همراه آنها بود، و مشاهده آنها باعث گردید لیلهالقدر را فراموش کنم^(۳). و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی‌داند شب قدر در چه شبی از شب‌های رمضان است.

(۱)- بنظرم «خدا می‌داند» علت زیاده‌روی حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به این سخن بوده است.

(۲)- به این کلمه بنگر: یک کلمه بود ولی چطور نسل در نسل انتقال یافت و شوم بودن گناه همگی را فراگرفت، پیامبر ﷺ راست فرموده: انسان سخن زشتی را می‌زند و آن را ساده می‌گیرد چه بسا آن سخن باعث می‌شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

(۳)- مختصر صحیح مسلم، تأییف منذری، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۶۳۷، ص:

شتر نفرین شده:

عمران بن حصین رض می‌گوید: پیامبر ﷺ در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبر ﷺ آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می‌گوید پس از آن شتر را می‌دیدم در بین مردم می‌گشت و کسی به آن کاری نداشت.^(۱)

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند - پناه به خدا - بر آن قیاس می‌شود.

دعای پیامبر ﷺ علیه طائفه مضر:

پیامبر ﷺ فرمود: «خدایا بر مضر سخت گیر، و بر آنها خشکسالی مانند دوران یوسف ﷺ بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت هفت سال آنها را فراگرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبر ﷺ از گرسنگی قدید(گوشت خشک کرده و نمک سود) و استخوان می‌خوردن، و آن قحطی پیامبر ﷺ و اصحاب ﷺ را نیز فراگرفت، و با دعای پیامبر ﷺ، مجازات همه را فراگرفت تا جایی که از گرسنگی سنگ را بر

(۱)- مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، (ص: ۴۸۰-۴۸۱)، شماره حدیث ۱۸۲۰.

شکم می‌بستند^(۱).

محروم بودن از باران:

ابوهریره رض می‌گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه‌اش می‌میرد). مجاهد رحمه‌الله می‌گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم‌های گناهکار را نفرین می‌کنند، و می‌گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه رحمه‌الله می‌گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب‌ها می‌گویند: بخاطر گناه انسان‌ها از باران منع شده‌ایم)^(۲).

انس بن مالک می‌گوید: (سوسمار در لانه‌اش بخاطر گناه انسان از لاغری می‌میرد)^(۳).

ابن قیم می‌گوید: کیفر گناه خاتمه نمی‌یابد تا بی‌گناه را نیز فراگیرد!^(۴).

مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَتَقْوَا فِتْنَةً لَا نُصِيبَنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ﴾

(۱)- تأویل مشکل الحدیث، تأليف ابن قتیبه، (ص: ۲۳۳).

(۲)- جواب الكاف، تأليف ابن قيم، (ص: ۱۶).

(۳)- تأویل مشکل الحدیث، تأليف ابن قتیبه، (ص: ۲۳۳).

(۴)- جواب الكاف، تأليف ابن قيم، (ص: ۱۶) (مراد از بی‌گناه: حیوانات و حشرات است).

خَاصَّةً (الأنفال: ۲۵). «وَ از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند)».

زینب بنت عائشہ می‌گوید: «ای پیامبر ﷺ آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می‌شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداؤند قوم نوح علیهم السلام را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آنها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْ يُظَلِّمُ اللَّهُ بِكَيْدٍ﴾ (ق: ۲۹). «و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد».

در پاسخ، سخن - ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را براتیت‌شان زنده می‌گرداند^(۱).

(۱)- تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قبیه، «ص: ۲۳۶».

کفته پیامبر ﷺ به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن عباس می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبر ﷺ) برخی صحابه از جمله عمر بن خطاب رض نزد پیامبر ﷺ بودند، پیامبر ﷺ فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمر رض گفت: «ناراحتی پیامبر ﷺ زیاد شده است و قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم»^(۱). حاضرین صدایشان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبر ﷺ چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می‌کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبر ﷺ فرمود: «از اینجا برخیزید

(۱)- عمر این سخن را بخارط این گفت: چون به نظر وی امر برای وجوب نبود بلکه از باب ارشاد به اصلاح بود و بخارط این بود که پیامبر ﷺ اذیت نشود و فرموده قرآن: ﴿لَا تَأْمُرُوا فِي الْكِتَابِ مِمَّا لَمْ يَنْهَا﴾. (الأنعام: ۳۸). «ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم». را در ذهن داشت. و هر کس گمان کند که عمر رض مانع نوشته رسول الله ﷺ شده است، خداوند را به ناتوانی، و پیامبر را به تقصیر و کوتاهی در تبلیغ متهم و توصیف کرده است، بلکه چنانکه اهل علم گفته‌اند دین خداود کامل است و این امر فقط برای تأکید و راهنمایی و ارشاد بوده است.

— گناه و آثار شوم آن در زندگی است از قرآن و سنت —

و بیرون روید»^(۱).

عیبدالله می‌گوید: ابن عباس رض گفت: (بدبختی، چه بدبختی
بزرگی بخاطر اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم
محروم شدیم)^(۲).

در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و
برکت می‌شود.

و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد صلی الله علیہ و آله و سلم بود.



(۱)- صحیح بخاری، «۱۱۴، ۷۳۶۶، ۴۴۳۲، ۵۶۶۹»، صحیح مسلم، «۱۶۳۷، ۲۲».

(۲)- کتاب الطب، تأليف امام نسائي، «ص: ۴۴» با تحقیق سامي توفی.

فصل چهارم

کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود. بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزنداتان به شما نیکی می‌کنند) ^(۱)

عیسی بن مریم ﷺ می‌گوید: (خوشابه حال مسلمان، خوشابه حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد) ^(۲).

انس بن مالک رض روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند» ^(۳).

این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوابش بدی است،

(۱)- النوافخ العطرة، تأليف صفدي، (ص: ۸۶).

(۲)- كتاب الزهد، تأليف امام احمد، (ص: ۷۲).

(۳)- مختصر صحيح مسلم، (ص: ۴۷۰، شماره حدیث ۱۷۶۲)، تأليف منذری، با تحقیق البانی.

چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر به فرزندان می‌رسد»^(۱).

ابوهریره رض از پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلائق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری، خداوند گفت: این حق توست)^(۲).

ابن جوزی رحمه اللہ علیہ می‌گوید: (یکی از اذیت‌کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کنک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافیست، تا اینجا پدرم را روی زمین کشیده‌ام!).^(۳)

تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت‌کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می‌شوند، چون اینها بدھکاری خود با رفتار بد پدر و مادر را بر می‌گردانند، و این فرموده خداوند را فراموش کرده‌اند:

(۱)- فرموده پروردگار: «وَجَادَ أَبْوَهُمَا صَلَيْهَا» (کهف، آیه ۸۲)، بر آن دلالت می‌کند.

(۲)- مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۷۱» حدیث (۱۷۶۴).

(۳)- صید الحاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (۱۸). (ق:۱۸).

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است». و این بخاطر شومی گناه است.

زنای کردن و مقدمات آن:

هر کسی – پناه به خدا – زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق‌بازی و چشمک‌زنی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر و مادر و دخترانش را فرامی‌گیرد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرِبُوا الرِّبْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَرِحَّةً وَسَاءَ سَيِّلًا﴾ (۲۲). (الإسراء: ۳۲).

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است». در کلمه ﴿وَلَا تَقْرِبُوا﴾ فکر کنید، خدا نفرموده است: (ولا تقتربوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده‌ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت‌انگیز را بخوانیم: عبدالله بن عمر بن خطاب رض می‌گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می‌برم که پنج خصلت هست شما را

فرانگیرد^(۱): زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنى و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار مىشوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غيره^(۲). اين حديث بيماري های ناشی از بىاخلاقى و انحرافات جنسى را بيان مىکند، و اين بيماري ها دارای صفاتی هستند، در هيچ بيماري ديگري یافت نمىشود به شيوه اى که نشان مىدهد اين بيماري ها - پناه به خدا - مجازاتى الهى هستند.

از جمله آن مجازات ها:

۱- از بين رفتن قدرت طبيعى:

هنگامى که انسان به بيماري ميكروبى مانند حصبه مبتلا مىشود، و دارو برای وي تجويز شود، داروى ضد آن به خواست خدا باكترى آن را از بين مىبرد، ولی در بيماري های جنسى برعکس است، چون به محض بهبودى شخص از يك بيماري به ديگري مبتلا مىشود.

۲- واگير است:

باكترى بيماري های جنسى فقط دچار انسان و بر بدن وي

(۱)- سنن ابن ماجه، «شماره ۴۰۱۹»، كتاب الخلية، تأليف أبونعم، «ص: ۳۳۳/۸».
الأحاديث الصحيحة البانى شماره ۱۰۶.

(۲)- كتاب امراض الجنسية عقوبة الھية، تأليف دكتور عبد الحميد القضاة، ص «۱۳».

— گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

زیست می‌کند، و در بدن حیوان زیست نمی‌کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می‌یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می‌یابد، و این آثار شوم زناست!

۳- ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متغیر کرده است:

بیشتر بیماری‌های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری‌های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند:

﴿وَلَهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (الفتح: ۴).

«لشکریان آسمانها و زمین (لشکرهای حسی، لشکرهای معنوی و لشکرهای غیبی - اعم از فرشتگان، انسیان، جنیان، شیاطین و فروд آوردن آرامش روحی بر مؤمنان -) از آن خدادست».

۴- قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد که در دیگر بیماری‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت مارپیچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریقی دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این مواد طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

۵- کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

۶- پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

۷- انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندانش از نظر خلقتی و در ضمن

ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

-۸- بیماری ایدز:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایدز ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لفافی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفت‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایدز: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طریق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَنَحْنُ نُعْتَقِي الْمَوْقَفَ وَنَكْتَبُ مَا قَدَّمُوا وَأَثْرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحَصَّنَتْهُ فِي إِيمَانِ مُّثِينٍ﴾ (۱۲).

«به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب

آشکار کننده‌ای بر شمرده‌ایم».

ایذر^(۱) کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم پژوهشکنی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی‌گناه نیز از طریق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

بِلَاءٌ مُوْكَلٌ بِهِ سُخْنٌ أَسْتَ:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «از بدبخشی و گناه دیگران مسرور مباش و به قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفایش دهد و تو گرفتار و مبتلا کند»^(۲)، و این

(۱)- و از بیماری‌های نابودکننده: (سرطان، سکته، خراب شدن کلیه، و می‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار خرب کارخانه‌ها و سوء تغذیه و عادات ناپسند و انحرافات و از همه مهم‌تر شومی گناه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ أَعْلَمَ الْفَرَقَ مَا تَشَوَّهُ وَأَنْتَوْ لَهُنَّا عَتَيْمٌ بَرْكَتٌ وَمَنْ أَكْسَأَهُ شَوْمٍ كَنَّاهٌ وَلَكِنْ كَبُوْرٌ فَأَنْذَنَهُمْ بِإِحْكَامِهِ فَتَكْبِرُونَ﴾ (الاعراف: ۹۶). «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آورند و تقوای پیشه می‌کردن، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». کتاب الطب محاسب الایمان، تألیف دکتر خالص حلبي، «ص: ۱۲۴».

(۲)- ترمذی و طبرانی، کتاب تمییز الطیب من الخبیث، عبدالرحمن اثری، «ص: ۱۷۱»، الأذکار، تألیف امام نووی، «ص: ۵۴۲».

بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی‌کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد بن حنبل می‌فرماید: از حسن بَطْلَةَ شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می‌آزماید)^(۱).

ابن سیرین بَطْلَةَ می‌گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!».

ابن جوزی بَطْلَةَ می‌گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دندانش مسخره کردم، پس از آن دندانها یم افتاد!»^(۲). از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گوییم می‌ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در مسخره کننده، یا در فرزندانش است، و همه اینها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی‌کند: (الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على كثير

(۱)- کتاب الزهد، تأثیف امام احمد، (ص: ٣٤٢).

(۲)- کتاب صید الخاطر، تأثیف ابن جوزی، (ص: ٣٩١).

من خلق تفضیلًا). پیامبر ﷺ می‌فرماید: (هر کسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرامنی گیرد)^(۱).

لعت و آثار شوم آن:

لعت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و این تأیید و مصدق این حدیث است که از پیامبر ﷺ پرسیدند: (سقارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می‌رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعت و نفرین می‌کنند»^(۲). به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرین به آسمان بالا می‌رود، درهای آسمان بر رویش بسته می‌شود، سپس به زمین باز؛ می‌گردد، درهای زمین نیز بسته می‌شود، سپس به راست و چپ می‌رود، و چون جای را نمی‌یابد به کسی که نفرین شده – اگر مستحق آن باشد – بر می‌گردد و گرنه به گوینده آن بر می‌گردد»^(۳).

(۱)- الفوائد، (ص ۲۵۷)، تألیف این قیم، سیر أعلام البناء، ۱۱ / ۴۹۶.

(۲)- أحمد، الطبراني، الحاکم، ونگا: مجموعأخبار آخر زمان، (ص: ۱۲۹)، تألیف مشعل.

(۳)- سنن أبي داود، با تحقیق البانی، «شهره حدیث ۴۹۰۵».

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابوذرداء عليه السلام روایت می‌کند پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم فرمودند: (لعنت‌کنندگان نباید بعنوان شفاعت‌کننده و شاهد پذیرفته شوند) ^(۱).

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباس رضي الله عنهما روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است. زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز مستحق لعن نباشد به گوینده برمی‌گردد» ^(۲).

و از بزرگترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم می‌فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می‌گوید او نیز پدر او را ناسزا می‌گوید، و به مادر کسی ناسزا می‌گوید او نیز به مادرش ناسزا می‌گوید» ^(۳)، و نسبت دادن فسوق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می‌شود ^(۴).

(۱)- روایت مسلم و أبوداود. صحيح سنن أبي داود، با تحقیق البانی، «شهره حدیث ۱۰۹۰۷».

(۲)- مختصر صحيح سنن أبي داود، با تحقیق البانی ۳/۹۲۷، «شهره حدیث ۱۰۱۴».

(۳)- مختصر صحيح بخاری، زبیدی، «ص: ۴۶۶، شماره حدیث ۷۰۰۳».

(۴)- مختصر صحيح بخاری، «ص: ۴۶۹، شماره حدیث ۲۰۳۰»، در حدیث آمده «لا يرمى رجل رجلاً بالفسق، و لا يرميه بالكفر إلّا أرتبت عليه ان لم يكن صاحبه كذلك».

وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می‌کند شیطان به نزد او می‌آید و فزیبیش می‌دهد و گناهان گذشته را به یادش می‌آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمات پروردگار نکرده باشد شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی بن ابیطالب رض می‌گوید: «هیچ بلایی جز با گناه فرود نمی‌آید و هیچ بلایی جز با توبه برداشته نمی‌شود»^(۱) و در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَبَّكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَإِمَّا كَسَبَتُ أَيْنِي كُثُرًا وَيَعْقُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾^(۲). (الشوری: ۳۰) هر مصیبتي به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می‌گوید: خدای متعال — در ضمن آنچه به بنی اسرائیل فرموده — می‌فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می‌کنم، و برکات من نهایتی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می‌شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می‌کنم،

«هر کس، فرد دیگری را متهم به فسق یا کفر کند و او اینگونه نباشد فسق و کفر، به خودش بر می‌گردد».

(۱)-الفوائد، ابن قیم «ص: ۶۱۰».

و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می‌رسد)^(۱).
و این حدیث مخالف این آیه قرآنی نیست: ﴿وَلَا تَرُزُّ وَازِرَةً وَنَذِرَةً أُخْرَى﴾. (ال Zimmerman: ۷).

«و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد». چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می‌سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی‌شود: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَّا صَلِيلًا﴾. (الكهف: ۸۲). «و پدرشان مرد صالحی بود». امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می‌رسد.



(۱)- الزهد، امام احمد، «ص: ۶۹».

فصل پنجم

آثار گناهان بر انسان

- گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن:^(۱)
- ۱- محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.
 - ۲- تنهایی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.
 - ۳- تنهایی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.
 - ۴- دشواری کار: به هر دری می‌زنند بر رویش بسته است یا با دشواری رویرو است.
 - ۵- تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.
 - ۶- گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.
 - ۷- گناهان تولیدمثil می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویاند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از

(۱)- جواب الکاف، ابن قیم، «ص: ۵۴ تا ۱۰۷!».

آن جدا شود.

- ۸- از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.
- ۹- دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیوه‌ای که گناه برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.

۱۰- شعله غیرت در دل را خاموش می‌کند، و حیا - اکسیر حیات دل - را از بین می‌برد.

۱۱- انسان را مورد نفرین پیامبر ﷺ قرار می‌دهد.

۱۲- محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ﷺ و ملائکه کرام که برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این فراموشی هلاکت است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ سُوَا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّافِقُونَ﴾. (الحشر: ۱۹).

«و همچون کسانی نباشد که خدا را فراموش کردند، (فرمانهای او را ترک کردند، یا از او نترسیدند) و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد (به سبب این که خدا را در آسوده‌حالی و نعمت فراموش کردند او نیز آنان را در سختی‌ها دچار خود فراموشی گردانید)، آنها فاسقانند».

— گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود: ﴿كَلَّا بِلَ رَأَنَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (المطففين: ۱۶). «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهاشان نشسته».

۱۳ - و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.

۱۴ - انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد^(۱).

آثار ترک گناهان در دنیا:

ابن قیم می‌گوید^(۲): (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداؤند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دلخوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خيالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمینان دل از نبود ذلت، محافظت

(۱)-الفوائد، تألیف ابن قیم، (ص: ۱۵۱، ۱۵۲).

(۲)-الفوائد، ابن قیم ص ۱۵۱-۱۵۲.

کردن روشنایی دل از نابودی تاریکی گناه، فزوئی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعايش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نهراسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی پروردگار به توبه و بازگشت وی).

آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغهای بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌مانند.

آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب اليمين قرار می‌گیرند: ﴿ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الجمعه: ٤).

«این فضل خدادست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است»^(۱).

خوشابه حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری عَجَلَةً می‌گوید: (ای آدمها گناه ترک کردن از توبه کردن آسان‌تر است)^(۲).

(۱)- الفوائد، تأليف ابن قيم، «ص: ۱۵۲».

(۲)- الزهد، تأليف امام احمد، «۲۶۲/۲».

فصل ششم

«توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می‌شود:

۱- ندم بر گناه.

۲- اقلالع از گناه.

۳- عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلالع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد^(۱). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می‌کند»^(۲).

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود باید فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سوم دین» انجام می‌دهد شایسته‌تر است که فوراً از گناه دوری کند)^(۳).

(۱)- تهذیب مدارج السالکین، (ص: ۱۲۳).

(۲)- صحیح جامع صغیر، (۴۳۹۱). روایت احمد در مستند، و ترمذی.

(۳)- احیاء علوم الدین، تألیف امام غزالی، (۱۵۵/۴).

حسن بصری رهنما می‌گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می‌کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام می‌دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی‌ها برای او سودمندتر است)^(۱).

بکر بن عبدالله المزنی رهنما می‌گوید: (اعمال بنی آدم به آسمان بالا می‌رود، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشنان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می‌رود)^(۲).

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: «مؤمن به مانند خوش گندمی می‌ماند یک بار راست می‌ایستد و یکبار خم می‌شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد»^(۳).

پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می‌کنم»^(۴). هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و

(۱)- ذم‌الهوی، تأليف ابن جوزی، «ص: ۱۰۳».

(۲)- ذم‌الهوی، تأليف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

(۳)- صحيح الجامع الصغير، «۵/۵۰۰».

(۴)- صحيح مسلم، «۲۷۰۲».

آینده او را بخشیده و عفو کرده است — در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟ ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش — در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند — خوشحال است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود — در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد — و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»^(۱)

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندرد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ی تأخیر از توبه، بر وی باقی می‌ماند»^(۲). شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (فکرم در خاطره‌ای)، یا

(۱)- صحیح مسلم، «۲۷۴۷».

(۲)- تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، بالتحیص عبدالمعتم العزی، «ص: ۱۵۷».

— گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

مسئله‌ای، یا چیزی دیگر و یا مشکلی متوقف می‌شود و نمی‌توانم آن را بدانم، در این حال هزار مرتبه و یا بیشتر و یا کمتر استغفار می‌کنم تا اینکه سینه‌ام به اینها گشاده شود و مشکلم حل گردد، و ممکن است در این حال در بازار، یا مسجد، یا مدرسه، باشم، و هیچ چیز مانع نمی‌شود که ذکر و استغفار کنم تا مطلوبم را بیابم^(۱).

و ترسناک‌ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی‌خبر هلاک می‌کند. در حدیث آمده که ابليس گفته است: بنی آدم را با گناه نابود می‌کنم، و آنها مرا به استغفار و «لا إله إلا الله» نابود می‌کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آنها می‌گسترانم، و چون می‌بندارند کار نیک انجام می‌دهند در نتیجه توبه و استغفار نمی‌کنند.

و آنچه آنها را از توبه کردن منع کرد، چنانچه یحیی بن معاذ رض می‌گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه‌کننده: ریختن اشک)، و محبت گوشنهنشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است^(۲).

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه بن نافع رض می‌گوید: پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می‌کند، و همچنان بر گناه

(۱)- منبع سابق.

(۲)- ذم‌اطوی، تألیف ابن جوزی، (ص: ۱۷۴).

باقی مانده، این نعمت‌ها استدرج است»^(۱).

ابوموسی علیه السلام می‌گوید پیامبر ﷺ فرمودند: (خداؤند به ظالم مهلت می‌دهد تا او را می‌کیرد و اگر او را گرفت رهایش نمی‌کند، سپس این آیه را خواند: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخْذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَلِيمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ (هو: ۱۰۲).

«او اینچین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند! (آری)، مجازات او، دردنگ و شدید است»^(۲).

پس لازم است توبه نصوح برای تمام اعضا بدن باشد، محاسبی کفالته می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنیدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاه: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

و بدینسان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن

(۱)- صحیح جامع الصغیر، ۱۱/۵۷۵.

(۲)- الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۰».

فکر نکردن حرام است، و زیان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است^(۱).

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری رحمه‌الله می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتنی بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)^(۲). عبدالله بن المبارک رحمه‌الله می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود)^(۳)

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب بن منبه رحمه‌الله پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر)^(۴)، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است).

امام احمد رحمه‌الله انسان را به هنگام گناه به کسی تشبيه می‌کند که

(۱)- التوبه، تأليف محاسبي، «ص: ۵۲».

(۲)- التوافع العطره، تأليف صفتی، «ص: ۸۶».

(۳)- تذكرة السامع والمتكلم، تأليف كتاني، «ص: ۶۸».

(۴)- صيد الخاطر، تأليف ابن جوزي، «ص: ۵۱».

در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم بر می‌دارد، ناگاه پایش فرود می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)^(۱).

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)^(۲)، به همین سبب پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هر چند هم ناچیز باشد»^(۳).

ابن قیم رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می‌شود، و این نشانه هلاکت اوست)^(۴).

(۱)- آداب الشرعیه، تأليف مقدسی، «ص: ٩٧/١».

(۲)- احیاء علوم الدین، غزالی، «ص: ٤/١٩٥».

(۳)- صحیح بخاری، «ص: ٦٤٦٥».

(۴)- تهذیب مدارج السالکین، تأليف ابن قیم، با تخلیص العزی، «ص: ١٢٣».

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی ﷺ می‌گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)^(۱). ماوردي ﷺ می‌گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می‌کند بهتر از گریه‌کننده‌ای است که بر پروردگار بی‌پروا است، و گریه‌کننده‌ای که بر گناه خویش پشیمان است بهتر از خندانی است که اعتراف به لهو می‌کند)^(۲).

(۱)- التوبه، تأليف محاسبي، «ص: ۵۵».

(۲)- ادب دنيا و دين، تأليف ماوردي، «ص: ۱۰۵».

فصل هفتم

پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش — خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند — برای دور ساختن آثار شوم گناه — چنانچه قبلًاً ذکر کردیم — توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است! پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروکرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک‌الولد کنید»^(۱).

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند):
 توبه نصوح: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْفُرُ الظُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (ال Zimmerman: ۵۳).
 «خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

۱- استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام دهند، سپس از پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آنها را

(۱)- مختصر صحیح مسلم، امام نووی، (شماره حدیث ۱۱۹، ص: ۴۱).

— گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

عفو نماید»^(۱)

حسنات محو کننده: قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبُنَ﴾

﴿السَّيِّئَاتِ﴾. (هو: ۱۱۴)

«حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند».

و از جمله آن کار نیک و صدقه است.

۲- دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای مؤمن و نماز بر جنازه، تا برایش شفاعت کنند..

۳- شفاعت پیامبر ﷺ: در حدیث صحیحی پیامبر ﷺ می فرماید: «شفاعت من برای صاحبان کبیره از امتن است»^(۲).

۴- مصیبت‌های که پاک‌کننده در دنیا هستند: «هیچ غم و مشکل و بیماری به کسی نمی‌رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن گناهی از گناهان او را می‌آمرزد»^(۳). به شرطی که بر آن صبر داشته باشد.

۵- رحمت و عفو پروردگار: بدون سببی و انجام کاری از طرف بنده.

(۱)- مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۹۲۲، ص: ۵۱۱».

(۲)- جامع الأصول، «۴۷۶ / ۱۰»، «شماره حدیث ۸۰۱۲».

(۳)- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث، ص: ۴۷۷».

ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند
کسی را جز خویش سرزنش نکند).^(۱)

۶- خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد).^(۲)

چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

ابن قیم رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید^(۳): موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:

۱- یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.

۲- حیاء و شرم از خدا.

۳- شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.

۴- ترس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور کند.

۵- ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب

(۱)- تسلیة أهل المصائب، «ص: ۲۵۰».

(۲)- الایمان الاوسط، تأليف ابن تیمیه، «ص: ۴۳-۲۹».

(۳)- طریق الهجرین و باب السعادتين، تأليف ابن قیم، «ص: ۱۷۶، ۱۷۵».

ایجاد کند.

- ۶- ترس از اینکه چنین فکری تولید مثل کند و شراره آن گسترد
شود، و هر چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.
- ۷- دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که
صیاد برای صید پرنده‌گان روی زمین پخش می‌کند.
- ۸- دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع
نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.
- ۹- دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است
و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.
- ۱۰- دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی
جاهلان است، و برای صاحب‌ش جز پشیمانی چیزی بدنیال ندارد.
هنگامی که در چنین فکرهای - خدا نکرده - غرق شدی، به
این قصه درباره انوشیروان - پادشاه فارس - گوش فرادهید:
روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان
پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باعی
رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر
اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را
خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او
را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرید،

سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، افمار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت تصمیم به ظلم گرفته است و بخارط شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشت و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ﷺ روایت می‌کنند که فرموده‌اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»^(۱).

اما! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت‌نشینی، ثوابان ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «برخی از امتم را می‌شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوههای تهامه را با خود می‌آورند، خداوند آن را نابود می‌کند». ثوابان ﷺ گفت: یا رسول الله آنها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نکند ما از آنها باشیم و

(۱) - تفسیر رازی، «۲۴۴ / ۱».

بی خبریم، پیامبر ﷺ فرمود: «آنها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می‌دهید آنها نیز انجام می‌دهند، ولی اگر در خلوت قرار می‌گیرند مرتکب گناه و معصیت می‌شوند»^(۱).

ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید پیامبر ﷺ فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان - در حالی که بی‌خبرست - بی‌مناک باشد) سپس گفت: آیا می‌دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می‌دهد، پروردگار کینه او را - در حالی که بی‌خبر است - در دل مؤمنان قرار می‌دهد^(۲).

بدین سبب ابن جوزی رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگترین بدبنختی‌ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کفر واقع می‌شود، و از بزرگترین کیفر و مجازات این است که انسان بی‌خبر است: در حالیکه گناه در ریشه دین و دل‌ها اثراً گذار است - پناه به خدا -.



(۱)- به روایت ابن ماجه، «ج ۲، شماره حدیث ۱۴۱۸».

(۲)- جواب الكافی، تأثیف ابن قیم، «ص: ۴۷».

فصل هشتم

کیفر و عقاب گناه – گرچه پس از مدتی هم باشد – واقع می‌شود:

تردیدی نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسن جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بینماک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم ﷺ می‌گوید: گناهم، و ابراهیم و موسی ﷺ می‌گویند: گناهم.

اگر کسی بگوید این آیه: ﴿مَنْ يَعْمَلْ مُوَءِدًا يُجْزَى بِهِ﴾ (النساء: ۱۲۳)^(۱).

هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود». مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطأ

(۱) - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

گناهکار چشم پوشی می شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده اند: ۱- این آیه بر گناهکاری حمل می شود که بر گناه مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می کند.

۲- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابو بکر رض گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیہ و آله و سلم آیا به هر گناهی مجازات می شویم؟ پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم فرمودند: «آیا بیمار نمی شوی، آیا غمگین نمی شوی، آیا سختی طاقت فرسانداشتی؟ این کیفر شما بوده است».

دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می شناسد، ولذت لحظه ای گناه را بر می گزیند!

اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می کنند، و فراموش می کنند که خداوند شدید العقاب است.

ابوعمر و بن العلاء می گوید: فرزدق به نزد جماعتی که باهم

درباره رحمت خداوند گفتگو می‌کردند نشست، و فرزدق از همه آنها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می‌زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می‌کنید آنها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می‌کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم!

ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می‌گوید^(۱): این نادانی محض است، چون رحمت پروردگار بشیوه لطفت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده‌ای ذبح نمی‌گردید، و بجهای نمی‌مرد، و کسی وارد جهنم نمی‌شد، اشتباه فرزدق از دو جهت است:

۱- فرزدق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.

۲- فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه‌کنندگان است

چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ لَفَّالَّرِيمَنَ تَابَ﴾ . (طه: ۸۲).

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّهِينَ

(۱)- تلیس ابلیس، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

يَتَّقُّوْنَ ﴿الْأَعْرَافُ: ١٥٦﴾.

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که
تقوا پیشه کنند رحمت من برای آنها حتمی و مخصوص آنهاست». «و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم
شنیده می‌شود که می‌گویند: آنها جوان هستند، و خدا آمرزنده و
مهربان است، و فراموش می‌کنند: که خدا شدید العقاب است.



فصل نهم

راه رهائی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای نامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریره رض می‌گوید: پیامبر ﷺ به نقل از پروردگار(در حدیث قدسی) فرمودند: «بندهام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدایی دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بندهام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، خداوند می‌فرماید: آنچه می‌خواهد انجام بده تو را بخشیدم»^(۱).

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا نامید نمی‌شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار

(۱)- مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۱۹۳۵، ص: ۵۱۴».

سبب عفو و بخشنش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی رحمه‌الله می گوید^(۱): (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمینان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم علیه السلام می‌روند، آدم می‌گوید: گناهم، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی علیه السلام می‌روند، و همگی می‌گویند: گناهم.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده‌اند و پوزش طلبیده‌اند، و پس از آن هم بیمناک بوده‌اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی‌رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض رحمه‌الله: «چقدر شرم‌سارم از تو ای خدایا، هر چند مرا ببخشید، به

(۱)- صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، (اص: ۳۳۰، ۳۳۱).

(۲)- این نظر ابن جوزی درباره عیسی علیه السلام درست نیست، چون در صحاح گناهی از عیسی ذکر نکرده است.

خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می‌کند و لذت لحظه‌ای را بر می‌گزیند، چون گناه حسرتی بجا می‌گذارد، هر چند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی‌شود»^(۱). هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محو کننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می‌شود؛ اما چگونه است؟ ابراهیم بن ادهم در تفسیر این آیه: «وَلَمَّا خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّانَ»^(۲) (الرحمن: ٦). «و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسیده می‌فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می‌کند)، حسن^{عليه السلام} می‌گوید: پیامبر^{صلی الله علیہ و آله و سلم} فرمودند: (انسان گناهی انجام می‌دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می‌کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گریزان و توبه‌کنان) است تا او را به بهشت وارد می‌کند»^(۳).

عرض سعید^{رحمه الله} کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی

(۱)- صید الخاطر، تأليف ابن جوزي، (ص: ٣٣١).

(۲)- الزهد، امام احمد، (ص: ٤٣٧).

(۳)- الزهد، امام احمد، (ص: ٤٧٤).

است مرتکب گناه شده است و هر گاه گناهش را به یاد می‌آورد عملش را ناچیز می‌شمارد^(۱).

پس اگر خواستی از گناهان رهایی یابی خود را به استغفار تسمک جو، و اعمال نیک انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نیکو آرزو کن.

و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ کاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم رحمۃ اللہ علیہ در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد)^(۲).

(۱)- الزهد، امام احمد، «ص: ۴۶۴».

(۲)- النوافخ العطره، صفدي، «ص: ۸۶».

فصل دهم

گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در حدیث صحیح از آن نهی فرموده است:

- ۱- تکبیر: کسی که به اندازه ذره‌ای تکبیر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
- ۲- ریا: کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هر کس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.
- ۳- طلب علم بخاطر دنیا: اگر کسی علمی یاد بگیرد – و از علومی باشد که بخاطر خشنودی رضایت خدا بکار رود – و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.
- ۴- عمل برای مردم: خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.
- ۵- ترك نماز عصر و جمعه: «هر کسی نماز عصر را ترك کند عملش بیهوده می‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل انگاری ترك کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».
- ۶- کوتاهی در نماز: «پیمان بین ما و کافران نماز است، هر

کس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرك ترک نماز است».

۷- منع زکات: صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آنرا نپردازد، روز قیامت ورقه‌های آهنی را در آتش جهنم گذاخته شده و بر جنب و پیشانی و کمرش می‌کشند، هر وقت سرد شد بار دیگر بر او کشیده می‌شود، در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اینکه بین خلائق حساب و قضاؤت شود، و ببیند که او از اهل آتش است یا از اهل بهشت.

۸- جاسوسی: کسی که به سخن مردم گوش فرادهد - در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند - در روز قیامت فولاد گذاخته به گوشش می‌ریزند.

۹- نمامی: «نمام وارد بهشت نمی‌شود» نمام: سخن چیز است.

۱۰- غیبت: «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جبرئیل اینها کی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خورند - کنایه از غیبت - و بدگوئی آبرو و حیثیت دیگران می‌کرند».

۱۱- نفرین کردن: «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است». «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».

۱۲- حسادت: از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنات را نابود می‌کند.

۱۳- تکفیر مسلمان: هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آنها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.

۱۴- ترساندن مؤمن: «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن یا چیز برندۀ‌ای را رو به برادر مسلمانش بگیرد، تا دست از آن کار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.

۱۵- افشاء راز: پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.

۱۶- ربا و سود: پیامبر ﷺ رباخوار و ربادهنه را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از ۳۶ زناست».

۱۷- عادت به شراب: پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی

— گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

که به شرابخواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد،
کسی که صله رحم را بجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.

۱۸- از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده

است: هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از
کنار جمعی - مرد - عبور نماید زناکار است.

۱۹- نظر حرام: خدا بر انسان در هر چیزی زنایی قرار داده
است، و خواهه یا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای
نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زیان
سخن حرام است، و زنای دست‌ها قلب هوس و آرزو می‌کند،
و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.

۲۰- خلوت با زن نامحرم: هیچ کدام از شما با زنی نامحرم
خلوت نکند. چون نفر سومی آنها شیطان است.

۲۱- هم جنس بازی (لواط): «خدا کسی را که عمل قوم لوط
انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتد که عمل قوم
لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».

۲۲- زنا کردن: «... با آنها رفتم خانه‌ای را دیدم بر روی
تپه ساخته بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود،
و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا
بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند

تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آنها کی هستند؟ «سپس گفت: آنهایی که در تنور دیدی؛ زناکاران هستند».

۲۳- تشبیه مرد به زن و بالعكس، و همچنین تشبیه به کافر:

«پیامبر زنانی که خود را به صورت مردان درمی‌آورند و مردانی که خود را به صورت زنان درآورند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آنهاست».

۲۴- حال کوبی و پیوند مو: خداوند پیونددهنده، مو و کسی

که خواستار آن است، و کسی که حال می‌کوبد، و کسی که خواستار حال کوبی است را لعن کرده است.

۲۵- ازدواج بدون ولی: هر زنی بدون اجازه ولی و

سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.

۲۶- نسبت دادن فرزند به غیر پدرش: کسی که با علم و

آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.

۲۷- رفتار نکردن به علم و دانش: مردی را در روز قیامت

می‌آورند و در آتش افکنده می‌شود و رودهایش بیرون می‌آید، و در میان رودهایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلاانی چرا این طور

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

هستی؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ پاسخ می‌دهد من شما را امر به معروف می‌کرم و خود انجام نمی‌دادم، و شما را نهی از منکر می‌کرم و خود انجام می‌دادم.

۲۸- کتمان و پنهان کردن علم: کسی که از او چیزی بپرسند و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می‌گذارند.

۲۹- دروغ بر پیامبر ﷺ: «دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمدتاً بر من دروغی بیند جایگاه خویش در آتش را آماده کند.

۳۰- دروغ گفتن: «حدرا! حذر از دروغ گفتن، چون همراه فسوق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی‌گوید: «شب معراج دو مرد به نزدم آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می‌کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی که می‌گفت به آفاق می‌رسید.

۳۱- دروغ گفت به شوخی: وای بر کسی که دروغ می‌گوید تا مردم بخندند. وای بر وی! وای بر وی!

۳۲- خود پاک نگه نداشتن از ادرار: از ادرار خود را پاک نگهدازید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می‌شود.

۳۳- سفر زن بدون همراهی محرم: برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز - جز با همراهی محرمی - سفر نماید.

۳۴- نوحه‌سرایی: کسی که بر وی نوحه‌سرایی و زاری می‌کنند در روز قیامت به آن معذب می‌شود «خداؤند زن نوحه‌سرای و گوش‌دهنده به وی را نفرین کرده است».

۳۵- فراخواندن به گمراهی: هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آنها بر دعوی‌گر است بدون اینکه چیزی از گناه آنها کم شود.

۳۶- سوگند به غیر خدا: «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر یا مشرک می‌شود». «هر کس سوگند یاد می‌کند یا به خدا سوگند یاد کند و یا ساكت شود».

۳۷- سوگند دروغ: هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می‌کند در حالی که از او خشمگین است.

۳۸- سوگند در معاملات: «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می‌دهد سپس نابود می‌کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می‌کند».

۳۹- دزدی: «هیچ دزدی دزدی نمی‌کند مگر اینکه به هنگام

دزدی مؤمن نیست». «خداؤند دزدی را که تخم مرغ می‌دزد و دستش قطع می‌شود نفرین کرد».

۴۰- غصب زمین: کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قیامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می‌گردداند.

۴۱- ساختن بنا بر قبر: پیامبر ﷺ از گچ کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.

۴۲- نیرنگ: هنگامی که خداوند تمام خلایق را در روز قیامت گردآوری می‌کند، برای هر خیانت‌کاری پرچمی برافراخته می‌شود، و می‌گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.

۴۳- نشستن بر قبر: اگر کسی بر اخگر(آتش پاره‌ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.

۴۴- عزاداری بر مرده: برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده – جز برای شوهر – سوگواری نماید.

۴۵- تکدی کردن: سه چیز بر آن قسم می‌خورم، و سخنی برای شما می‌گوییم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی‌کند مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می‌کند.

۴۶- خیانت در معامله: پیامبر ﷺ از فروختن شخص شهری

برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معامله برادر دینی نهی فرمود.

۴۷- زنانی که به زیارت قبرستان می‌روند: «خداوند زنانی را که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیه پوشش می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.

۴۸- اجتناب کردن زن: اگر مردی تقاضای همبستری از همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.

۴۹- خیانت به زیردستان: هر کسی خدا او را بر گروهی برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آنها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.

۵۰- فتوی دادن بدون علم و آگاهی: کسی که برای وی فتوی بدون آگاهی داده باشند گناهش بر فتوادهنده است.

۵۱- تقاضای طلاق: هر زنی بدون مشکل از همسرش خواستار طلاق باشد بوی بهشت بر وی حرام است.

۵۲- سخنی که باعث خشم پروردگار شود: کسی حرفی از خشم پروردگار — می‌زند و به آن مبالغات نمی‌دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت —

۵۳- سخن به غیر ذکر خدا: به غیر یاد و ذکر خدا زیاد

سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می‌شود.

۵۴- قهر با مسلمانی: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش

از سه روز از برادر دینی‌اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با
برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».

۵۵- ناسزاگوئی: بدترین انسان در روز قیامت کسی است که

مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده‌اند.

۵۶- کسی که هدیه‌ای می‌دهد و دوباره پشیمان می‌شود:

«یکستی که خواستار برگرداندن هدیه‌اش است مانند سگی است قی
می‌کند سپس به آن دوباره بر می‌گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال
نیست هدیه‌ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار
هدیه‌اش باشد».

۵۷- اعلان گم شده در مسجد: هر کس شنید مردی گم

شده‌اش را در مسجد اعلان می‌کند بگوید: خدا گم شدهات را
برنگردادند، چون مساجد برای چنین چیزها ساخته نشده است.

۵۸- مرور از جلو نمازگذار: اگر مرورکننده‌ای از جلو

نمازگذار می‌دانست چه کیفری دارد، همانا چهل سال می‌ایستاد
بهتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.

۵۹- اذیت و آزار نمازخوان: هر کسی که پیاز و سیر و

تره‌فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می‌رساند اذیت می‌شوند.

۶۰- نوشیدن‌های که منع شده‌اند: پیامبر ﷺ از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ﷺ از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد.

۶۱- نوشیدن با دست چپ: هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.

۶۲- قطع صله رحم: «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا – با وصف ذخیره کیفر آخرت – از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آنها فزونی می‌یابد».

۶۳- صلوات نفرستادن بر پیامبر ﷺ: «به خاک مالیده شود – بی‌ارزش شود – بینی آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل کسی است نام من نزدش برده می‌شود و صلوات بر من نمی‌فرستد».

۶۴- مهمل گفتن و متکلفانه سخن گفتن: منفورترین شما نزد

من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.

۶۵- نگهداری سگ: هر کس سگی را - بجز سگ شکاری یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانه بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.

۶۶- اذیت کردن حیوانات: زنی بواسطه گربه‌ای وارد جهنم شد، چون گربه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن دادا و نه هم رهایش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چیز جاندار را به بازی و اذیت نگیرید.

۶۷- نقاشی و عکس کشیدن: «سخت‌ترین عذاب روز قیامت برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا عکس است.

۶۸- دشمنی کردن با دوستان خدا: خداوند می‌فرماید: هر کسی با یکی از دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.

۶۹- قتل پناه‌آورنده: هر کسی پناهنده‌ای را به قتل برساند وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.

۷۰- محروم کردن وارث از ارث: هر کس وارثش را از ارث محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.

۷۱- پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود: پنج چیز اگر به آن

مبلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد - هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علني آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در - بین گذشتگان آنها سابقه نداشته - در بین آنها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمانه انجام نداده‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چار پایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبر شَرِّعَتْ را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آنها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبهختی در بین آنها بوده‌اند.



خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و بر حذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هر چند مهریانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمیسار می‌نماید، امان! امان!)^(۱).

مطلوبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه – پناه به خدا – می‌باشد، پس اگر خطأ و اشتباہی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفرالله العظیم.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَنَعَمَتْهُ تَمَّ الصَّالَاتُ.

(۱) - صید الحاضر، ابن جوزی، «ص: ۱۳۲».

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنماید.

ریاض / اول محرم ۱۴۲۱ هجری

نویسنده:

أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن السدحان

مراجع و مأخذ

- ١ - قرآن کریم.
- ٢ - تفسیر رازی، رازی.
- ٣ - مختصر صحیح بخاری، زبیدی.
- ٤ - مختصر صحیح مسلم، منذری با تحقیق البانی.
- ٥ - صحیح سنن أبي داود، البانی.
- ٦ - صحیح سنن ترمذی، البانی.
- ٧ - صحیح جامع الصغیر، البانی.
- ٨ - فتح الباری، ابن حجر عسقلانی.
- ٩ - جامع الاصول، ابن کثیر.
- ١٠ - التوافخ العطرة، صفدي.
- ١١ - تأویل مشکل الحدیث، ابن قتيبة.
- ١٢ - صحیح سنن ابن ماجه، البانی.
- ١٣ - تمیز مشکل الحدیث، عبدالرحمن اثری.
- ١٤ - الخلیه، ابونعمیم.
- ١٥ - تذكرة السامع والمتکلم، کنانی.
- ١٦ - تهذیب مدارج السالکین، عبدالمنعم العزی.

- ١٧ - احیاء علوم الدین، غزالی.
- ١٨ - فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیة، ابن تیمیة.
- ١٩ - الزهد، ابن تیمیة.
- ٢٠ - الفوائد، ابن قیم.
- ٢١ - أدب الدنيا والدين، ماوردی.
- ٢٢ - الجواب الكافی، ابن قیم.
- ٢٣ - الأذکار، نووی.
- ٢٤ - صید الخاطر، ابن جوزی.
- ٢٥ - طریق الہجرتین و باب السعادتین، ابن قیم.
- ٢٦ - الایمان الاوسط، ابن تیمیة.
- ٢٧ - ذم الموى، ابن جوزی.
- ٢٨ - مفتاح دارالسعادة، ابن قیم.
- ٢٩ - التوبۃ، محاسیبی.
- ٣٠ - تلبیس ابلیس، ابن جوزی.
- ٣١ - الآداب الشرعیة، مقدسی.
- ٣٢ - تسلیة اهل المصائب، ابن رجب.
- ٣٣ - الحسن البصری، ابن جوزی.

- ٣٤ - نثر الدرر، ابوسعید الآبی.
- ٣٥ - الأمراض الخبيثة عقوبة إلهية، د- عبدالحميد قضاة.
- ٣٦ - الطب محراب الإيمان، د- خالص جلبي.
- ٣٧ - مجموع أخبار آخر الزمان، مشعلی.
- ٣٨ - ابن تيمية بطل لاصلاح الدينی، محمد مهدی استانبولی.
- ٣٩ - التدريبات العملية في علم الموجة الذاتية، يحيى حزه شولك.
- ٤٠ - معانی القرآن الكريم، ابو جعفر نحاس.
- ٤١ - معانی القرآن، زجاج.